

راهکار مقابله با جنگ نرم با تأکید بر قرآن کریم و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی^۱

رقیه دورقی^۲
محمدصادق فاضل^۳

چکیده

جنگ نرم، جنگی است که در شرایط صلح بین دولت‌ها و قدرت‌ها، برای تحمیل اراده و تأمین منافع یا غلبه بر طرف مقابل، بدون استفاده از قدرت نظامی و روش‌های خشونت آمیز، به صورت نامحسوس برای کنترل افکار عمومی طراحی شده است. سؤال اصلی این پژوهش راهکارهای مقابله با جنگ نرم با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. این تحقیق به روش توصیفی، تحلیلی انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که با توجه به پیشینه جنگ نرم و موفقیت دشمن در این جنگ برای سلطه طلبی و استثمار سایر کشورها، شناخت جبهه معارض، شناخت و توسعه توان نیروهای جبهه خودی ضروری است و این مسئله در توصیه‌های مقام عظمای ولایت و رهبری به خصوص برای تحقق تمدن نوین اسلامی در گام دوم انقلاب اسلامی در ابعاد علمی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، همانند چراغ راهی است که ماهیت و ابعاد این نبرد را برای امت اسلامی روشن می‌سازد.
واژه‌های کلیدی: جنگ نرم، بیانیه گام دوم انقلاب، بصیرت، مقام معظم رهبری علیه السلام.

۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم. 6652montazer@gmail.com

۳. دانش آموخته سطح ۴ فقه و اصول، حوزه علمیه قم. 60_m_sfazel@yahoo.com

مقدمه

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و خون‌هزاران شهید جاوید و امید میلیون‌ها مسلمان و مستضعف جهان بود (عمید زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۴۷)؛ پا به میدان نهاد، چهارچوب‌ها را شکست، دین و دنیا را کنار هم مطرح کرد. طبیعی بود که سردمداران ستم و گمراهی واکنش نشان دهند. با توجه به اینکه استکبار جهانی با متحدانش بعد از به‌کارگیری روش‌های مختلف کودتا، حمله‌های نظامی، ترورهای کور و در نهایت تحریم‌های اقتصادی به این نتیجه رسیدند که به زانو درآوردن این ملت، جز از طریق روش‌های نرم و به ظاهر مسالمت‌آمیز امکان پذیر نخواهد بود، به همین منظور، اولویت استکبار در مواجهه با نظام اسلامی آن چیزی شد که امروز از آن با عنوان جنگ نرم یاد می‌شود (پورفاضلی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). در این راستا هزاران کارشناس با تجربه در صدها سازمان و مؤسسه تحقیقاتی گرد هم آمدند و بر آن شدند تا به صورت تدریجی و طی برنامه زمان‌بندی شده، فکر و روح این ملت را از وضعیت استکبارستیزی و مقاومت خارج کرده و روحیه سازش و تمکین در جمهوری اسلامی را جایگزین کنند. اینان برای بازبازی قدرت از دست رفته خود در این خطه جغرافیایی با استفاده از جنبه‌های فرهنگی، علمی و فنی خود برای تأثیر بر فکر و اندیشه با استفاده از ابزارهای ارتباطی و تکنیک‌های پیچیده روانشناسی و جامعه‌شناسی با تأکید بر نقاط قوت عناصر خود و نقاط ضعف عناصر جبهه مقابل، وارد عمل شدند (بصیری، ۱۳۹۱، ص ۲).

یکی از برنامه‌های دشمنان، تأثیرگذاری بر دین و فرهنگ دینی بوده که رهبر معظم انقلاب اسلامی از ابتدای دهه هفتاد، در مسأله تهاجم فرهنگی و جنگ نرم تبیین‌های متعددی داشته‌اند و در سه دهه اخیر، مهم‌ترین راهبرد دشمن علیه جمهوری اسلامی را جنگ نرم معرفی کرده‌اند. ایشان بر لزوم شناخت کامل دشمنان نظام اسلامی، برنامه‌ها و اهداف آنان برای مقابله با نظام و انقلاب همواره تأکید دارند و در بیانات متعدد، آرایش

تهاجمی فرهنگی دشمن را علیه انقلاب بسیار خطرناک معرفی کرده‌اند و در اهمیت جنگ نرم، خطر آن را برابر با جنگ نظامی معرفی می‌کنند. مقام معظم رهبری با تعابیری همچون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، ناتوی فرهنگی و در سال‌های اخیر از واژه بسیار دقیق جنگ نرم برای تبیین راهبردهای دشمن علیه جمهوری اسلامی استفاده نموده‌اند.

در حالی که امروز بعد از گذشت چهار دهه پس از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی، به نقطه مطلوب وضعیت فرهنگی کشور نرسیده‌ایم، مقام معظم رهبری به عنوان دیده‌بان انقلاب اسلامی درست در همان زمانی که دشمن و به زعم خود دنبال سرنگونی نظام مقدس جمهوری اسلامی بود، به مناسبت چهلمین سال پیروزی انقلاب اسلامی بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب را ارائه فرمودند که سند راه و چشم انداز آینده حرکت انقلاب است. ایشان از تشریح دستاوردهای انقلاب و آنچه تاکنون انجام شده است و گام‌هایی که باید در چهل سال دوم انقلاب اسلامی برداشته شود؛ توصیه‌هایی در هفت عرصه علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و سبک زندگی داشتند که در واقع هفت پایه اصلی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی اسلامی است. از این رو با توجه به نفوذ جنگ نرم در فرهنگ جامعه، بحث و بررسی درباره این مقوله به دلیل گستره تأثیرگذاری آن بسیار حائز اهمیت است. تتبع در منابع مکتوب نشان می‌دهد که به رغم پژوهش‌های پراکنده در این حوزه مانند «تحلیل حفظ دستاوردهای فرهنگی، معنوی دفاع مقدس و تأثیرات جنگ نرم بر ساختار آن» نگارش قدسیه شهداد و مصطفی محمودی صاحبی (۱۴۰۱) که در آن اساس جنگ نرم و هجمه‌های فرهنگی را تضعیف ارزش‌ها و باورهای دینی معرفی نموده و هدف اصلی این طرح را تخلیه فرهنگی و از بین بردن آداب اسلامی و سنن جامعه می‌داند، اثر مستقلی در خصوص راهکارهای مقابله با جنگ نرم با تأکید بر قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام تدوین نشده است. این مقاله می‌کوشد با روش تحقیق کتابخانه‌ای، به بررسی ابعاد این موضوع با استفاده از قرآن کریم و بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام بپردازد.

۱. راهکارهای مقابله با جنگ نرم

هفت توصیه مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، به عنوان مهم‌ترین راهکار در برابر توطئه‌های بی‌حد و حصر دشمنان در تمام ابعاد علمی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تربیتی یک جامعه است که در این مجال به راه‌های مقابله با جنگ نرم پرداخته شده است.

۱-۱. تولید علم

برای مقابله با جنگ نرم، موارد تولید علم بر اساس آیات وحی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به شرح ذیل است.

۱-۱-۱. گسترش آگاهی و دانایی

هدف از خلقت انسان، رسیدن به کمال و سعادت است و دستیابی به آن در گرو عقل و علم است. قرآن کریم در معرفی خود بیان می‌کند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (ابراهیم: ۱)؛ «این کتابی است که آن را بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی‌ها (نا آگاهی و نادانی) به سوی روشنایی باز ببری». در آیات متعدد کلام الله مجید، بر ارزش و اهمیت تحصیل علم پرداخته شده است و فراگیری علم در اسلام بسیار حائز اهمیت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طلب العلم فريضة على كل مسلم»؛ جست و جو و تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۰). اسلام بر جهانی سازی علم، دانش و فناوری، علم آموزی و بیداری احساس‌های خفته همه‌ی انسان‌ها تأکید نموده است (حکیمی، ۱۳۸۷، ص ۴۵). گسترش علم از عوامل مهم خیزش در تمدن اسلامی است (ر.ک. جعفری‌نیا، ۱۳۹۳). رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اولین توصیه جهانی سازی اسلام را علم و پژوهش می‌دانند. ایشان در خطاب به جوانان می‌فرمایند: «دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت يك کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی

و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۲-۱-۱. جهاد علمی

جهاد، به معنای تلاش توأم با رنج و زحمت است. خداوند متعال خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان: ۵۲)؛ «به وسیله‌ی قرآن با آن‌ها جهاد کن». منظور از جهاد در این آیه، جهاد فکری و فرهنگی است، نه جهاد مسلحانه. (اسحاقی، ۱۳۹۳، ص ۲۹)، اما در جای دیگری می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹). «جَاهَدُوا فِينَا»، مراد هر گونه جهاد و تلاشی است که در راه خدا و برای رضایت او و به منظور خدمت به دین اسلام انجام پذیرد. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در بیانات مختلف بر جهاد علمی تأکید دارند و در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یک مطالبه‌ی عمومی از جوانان درخواست این جهاد را دارند. از منظر ایشان امروز کشور نیازمند یک جهاد علمی است. معظم له در دیدارهای متعدد به اهمیت علم و پژوهش و لزوم جهاد علمی در سطح جامعه از سوی دانشگاه‌ها و مراکز علمی این‌گونه خطاب می‌نمایند: «می‌توان علم جهادی و جهاد علمی داشت. این همان کاری است که شماها به آن مشغولید» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱). ایشان در اهمیت مدیریت علم به دست بندگان صالح می‌فرمایند:

«حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل، ابزار دو جنبه‌ای است؛ می‌تواند در خدمت ارزش‌ها قرار بگیرد، می‌تواند در خدمت حیوانیت و سُبُعیت قرار بگیرد. بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسان‌های دنیا طلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می‌شود که امروز شما در دنیا مشاهده می‌کنید؛

یعنی علم ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و برای ترویج فحشا، سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپایی‌ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملت‌ها را زیر سلطه‌ی استعمار بگیرند و به اختلاف مناطق، صد، صد و پنجاه و دو بیست سال ملت‌ها را عقب نگه دارند و آن‌ها را از سرمایه‌های مادی خودشان محروم کنند؛ استعداد‌های انسانیشان را سرکوب کنند و کشتار به راه بیندازند. وقتی علم در مدیریت انسان‌هایی قرار گرفت که جز به جنبه‌های حیوانی زندگی نمی‌اندیشند، همین خواهد شد، اما اگر علم به وسیله‌ی بندگان صالح مدیریت شد، آن وقت خدمت می‌کند و زیان نمی‌رساند. وقتی جهاد، یعنی تلاش هدفدار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته‌ی دانش در همه‌ی زمینه‌ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه‌ی استقلال، روحیه‌ی توکل به خدا و روحیه‌ی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راه‌های میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم؛ این کار ممکن است؛ زیرا این جا سرزمین علم خیز است و شماها نشان دادید که می‌شود» (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۴/۱).

۲-۱. رشد اخلاقی و معنوی اجتماعی

اسلام، تنها دینی است که با صراحت پایه و مبنای دعوت خود را بر اجتماع نهاده است و در هیچ یک از شئون خود، امر اجتماعی را به اهمال واگذار نکرده است. انسان فطرتاً موجودی اجتماعی است. به طوری که خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰). در سایه ایمان به خدا مفاهیمی چون اخلاص، ایثار و توکل، دیگر تنها مفاهیم تو

خالی نیستند، بلکه همه مقوله‌هایی پرمحتوا و پایه هستند و مبنای منطقی دارند؛ اگر ایمان به خدا نباشد، اخلاق هیچ پشتوانه‌ای خواهد داشت. اسلام به عنوان یک آیین الهی جهانی و جاودانی که پس از آن دین و قاعده نخواهد آمد، اعتقاد به خدا را از جنبه‌های مختلف بهترین ضمانت اجرای اخلاق می‌داند (حسنی، ۱۳۸۹، ص ۳۱۱).

۱-۲-۱. معنویت

معنویت در جامعه اسلامی مبتنی بر دین و آموزه‌های دینی است، به طوری که تعالیم اسلام شکل دهنده معنویت است. معنویت همواره اخلاق‌گراست، اما اخلاق‌گرایی معطوف به معنویت نیست. اگر معنویت در جامعه نهادینه شود، اخلاق مداری در میان لایه‌های مختلف اجتماعی رسوخ می‌یابد (ویسی، ۱۳۹۸). رهبر معظم انقلاب اسلامی در تعریف معنویت، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش‌های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است. معنویت و اخلاق، جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن‌ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می‌سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می‌آفریند» (خامنه‌ای، ۹۷/۱۱/۲۲).

۱-۲-۲. اخلاق

اخلاق، جمع واژه خُلُق و به ویژگی‌های نفس انسان گفته می‌شود (فتحعلی خانی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). مقام معظم رهبری در تعریف اخلاق می‌فرمایند: «اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). اخلاق اسلامی همهی امتیازات و ویژگی‌های یک نظام اخلاقی دینی را داراست. برای رشد جامعه در بُعد اخلاقی تنها با پیاده کردن اخلاق اسلامی می‌توان به یک جامعه ایده آل دست پیدا کرد.

۱-۲-۳. توسعه معنویت و لزوم تدوین برنامه قابل اجرا

مقام معظم رهبری در دیدار زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی می‌فرمایند: «دو آفت،

هم دینداری را تهدید می‌کند و هم سیاست را. یکی از آفت‌های دینداری این است که دینداری یک جامعه یا یک شخص، با انحراف یا بی‌مبالاتی یا تحجر و جمود یا فراموش کردن نقش عقل یا التقاط و از این چیزها همراه شود. آفت دیگر دینداری این است که دین به زندگی شخصی محدود شود؛ عرصه وسیع زندگی جمعی انسان‌ها و جامعه را فراموش یا درباره آن سکوت کند و از آن کناره بگیرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

تمدن منهای معنویت برای بشر همانند خشکی برای ماهی است که زندگی کردن در آن محال است. یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی، فراهم‌سازی زمینه رواج معنویت و اخلاق در جامعه است، اما در این مسیر مشکلاتی در ابعاد علمی، تربیتی و حتی فرهنگی وجود دارد. اولین مشکل اجرایی، عدم وجود یک برنامه مدون و پرمحتوا از سوی مسئولین حکومتی و همچنین عدم نظارت کافی از سوی مسئولان ذی ربط است. هنگامی که معلوم نیست که چه چیزی باید ارایه شود، ابهام در چگونگی نیز روی می‌دهد. فقدان ساز و کاری روشن برای ارایه‌ی معنویت دینی به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد در سازمان‌های مربوط کسی نمی‌داند که چه باید بکند. وقتی این وضعیت در کنار ضرورت اقدام و انجام کار قرار گیرد، کارهای بی محتوا، کلیشه‌ای و بدسلیقگی‌هایی پیش می‌آید که چه بسا آثار منفی آن بیش از آثار مثبتش باشد. شاید به همین جهت است که مسئولان دستگاه‌های اجرایی نیز شهامتشان را کنار گذاشته و شبیه مدیران محافظه کار، از دست زدن به اقدامات جدید و بدیع پرهیز می‌کنند و با پیشنهادات کارشناسی شده نیز با احتیاط و تردید رو به رو می‌شوند. بنابراین، یکی از بزرگترین مشکلات اجرایی که فراروی توسعه‌ی معنویت اسلامی و مواجهه‌ی مؤثر با معنویت‌های نوظهور قرار دارد، ابهام در محتوا و روش کار است. این ابهام گاهی به عدم اقدام و گاه به خرابکاری‌هایی منجر می‌شود که جبرانشان دشوار خواهد بود. بدون شک، تمام لحظات ابعاد زندگی انسان، از دیدگاه اسلامی، معنوی و در راستای بندگی و دلدادگی به خداوند و عشق به اوست. پس با ایمان راسخ و هوشمندی و پشتکار و فعال کردن افراد و گروه‌های مختلف با استعدادها و ذائقه‌های متنوع، باید

در کشف این حقایق کوشید. انقلاب اسلامی به عنوان یک الگوی بزرگ و سرچشمه‌ی جاری و زلال معنوی در جهان است. صاحبان امر در این زمینه باید بر روی تمام ابعاد و اجزای زندگی انسان نگاهی معنوی بیندازند و این نگرش را به جهان صادر نمایند. دنیا تشنه‌ی معنویت است و اگر پاسخ درست، پاک و زلالی از سرچشمه نیابد؛ از مرداب‌ها و لجنزارها خواهد نوشید، و اگر نگاه معنوی اسلامی در جهان ظهور کند، بی‌تردید، یک انسان در ابعاد سیاسی و اجتماعی زندگی خود، همین منظر معنوی را خواهد گشود و آنگاه پایان ستم و استضعاف و بازگشت به آزادی، عزت و عدالت را خواهد خواست و بدین سان زمینه‌ی ظهور خورشید هدایت و ولایت فراهم خواهد شد.

۱-۲-۴. خودسازی زیر بنای جامعه سازی

قرآن کریم، تزکیه و تهذیب نفس را عامل رستگاری و راه وصول به سعادت معرفی کرده است و فساد اخلاقی را منشأ رذالت‌ها و بدبختی‌ها و مایه زیان می‌داند و می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا * وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس: ۹-۱۰)؛ به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد. بی‌شک، محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود. از این آیه می‌توان استفاده کرد که نفس انسان قابلیت تزکیه و نیز آلودگی را دارد و این دو با انتخاب و اختیار انسان انجام می‌پذیرد. خودسازی و تهذیب نفس از جمله مسائلی است که در شریعت مبین اسلام بسیار به آن سفارش شده است و تحقق هدف آفرینش انسان و به کمال رسیدن او نیز جز از طریق خودسازی میسر نخواهد بود. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «شعور معنوی و وجدان اخلاقی در جامعه هرچه بیشتر رشد کند برکات بیشتری به بار می‌آورد؛ این، بی‌گمان محتاج جهاد و تلاش است و این تلاش و جهاد، بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت. اخلاق و معنویت، البته با دستور و فرمان به دست نمی‌آید، پس حکومت‌ها نمی‌توانند آن را با قدرت قاهره ایجاد کنند، اما اولاً خود باید منش و رفتار اخلاقی و

معنوی داشته باشند، و ثانیاً زمینه را برای رواج آن در جامعه فراهم کنند و به نهادهای اجتماعی در این باره میدان دهند و کمک برسانند؛ با کانون‌های ضدّ معنویت و اخلاق، به شیوه‌ی معقول بستیزند و خلاصه اجازه ندهند که جهتمی‌ها مردم را با زور و فریب، جهتمی کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

در دین اسلام به عنوان کاملترین شریعت در حوزه حکمرانی، تنها به نهاد حکومت توجه نمی‌شود، بلکه به نهاد مردم و امت نیز توجه می‌شود؛ یعنی یکی از عناصر اصلی حکمرانی، رهبری جامعه اسلامی است و عنصر دوم، امت اسلامی است. مهم‌ترین وظیفه دولت اسلامی تحت هدایت رهبری، جامعه‌سازی است. جامعه‌سازی نیز از طریق فردسازی صورت می‌گیرد و فردسازی نیز تنها از طریق تهذیب و تزکیه و آموزش معارف اتفاق می‌افتد. بنابراین با توجه به اهمیت خودسازی می‌توان این‌گونه بیان کرد که خودسازی از جامعه‌سازی قابل انفکاک نبوده و انسانی اهل نجات است که هم برای نجات خودش می‌کوشد، هم برای نجات دیگران قدم برمی‌دارد.

۱-۲-۵. ترویج فرهنگ سالم در سطح جامعه

دشمنان انقلاب اسلامی به خوبی این مسئله را درک کرده‌اند که اگر ملتی از نظر فرهنگی اتکا به فرهنگ خود نداشته باشد، زمینه فروپاشی استقلال فکری آن جامعه و در نتیجه پذیرفتن همه نوع زمینه‌ای توسط مردم آن فراهم خواهد شد. دشمنان ما با پی بردن به اهمیت فرهنگ سالم در شکل‌گیری یک جامعه موفق و توسعه یافته، همواره سعی دارند با هدف قرار دادن فرهنگ عمومی جامعه، باورها و اعتقادات مردم و اختلاف افکنی بین افراد جامعه، از پیشرفت عمومی آن جلوگیری کنند تا در سایه غفلت مردم یک کشور، بر سیطره خود بر ملت‌ها و کشورها ادامه داده و امنیت لازم را برای غارت منابع و ثروت‌های کشورهای مختلف به خصوص کشورهای اسلامی به دست بیاورند. در این مسئله باید مسئولین و مردم هوشیاری خود را حفظ نمایند و همان‌گونه که مقام معظم رهبری علیه السلام بارها هشدار داده‌اند، نسبت به هجوم‌های فرهنگی غرب حساسیت بیشتری به خرج داده و جلو نفوذ فرهنگ منحط

غربی به جامعه اسلامی را با کار فرهنگی سالم بگیرند (صداقت و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۰۳-۲۱۰). اولین نهادی که در بحث ترویج فرهنگ در سطح جامعه دخالت مستقیم دارد، خانواده است. روش تربیت فرزندان و الگودهی به آنان، وظیفه سنگینی است که بر عهده هر خانواده است و نیازمند آگاهی، تلاش و درک خانواده‌هاست. خانواده، مسئول ایجاد فضایی سالم برای رشد روحی، فکری و عملی فرزندان است. این نهاد مقدس با شناسایی و شناساندن ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها به فرزندان، برای تربیت وقت صرف می‌کند تا بتواند به عنوان یک جامعه کوچک، افزون بر ترویج فرهنگ اسلامی در بین اعضا، رسالت خود را به نحو نیکو انجام دهد. ترویج فرهنگ ناب اسلام محمدی در سطح جامعه و پرهیز از مظاهر فرهنگ منحط غربی، تضمین‌کننده سلامت معنوی و سعادت جاودانه جامعه بشری است؛ و این امر در ابتدا مستلزم تقویت بنیه فرهنگی جامعه از سوی سازمان‌ها و نهادهای مربوط و همچنین برخورد قاطع با دشمنان و عوامل آنان است (همان، ص ۲۲۲-۲۲۳).

۱-۲-۶. مبارزه با کانونهای ضد معنویت و اخلاق

مکتب اسلام برخلاف مکاتب غیرتوحیدی در تمام شئون فردی، اجتماعی، مادی، معنوی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی وی نقش دارد، فروگذار ننموده است. و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد کرده و در رفع آن‌ها کوشیده است. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرماید: «ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضد معنویت و ضد اخلاق نهاده است و هم‌اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). عصر ارتباطات و تبلیغات گسترده با وجود آثار بسیار مثبت در روند بسیاری از امور، شرایط بهتری را نیز در جهت استعمار پنهان بیگانگان فراهم ساخته است. امروز بیگانگان به واسطه ابزارهای پیشرفته به راحتی تا عمق خانواده‌ها نفوذ کرده و فرهنگ دینی و ملی ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند (صداقت و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲۲).

ذات فناوری‌های رسانه‌ای جدید، شریر و مفسده‌انگیز نیست، بلکه آن‌ها ابزارهایی هستند که می‌توانند در خدمت مقاصد الهی یا شیطانی گمارده شوند. بنابراین آنچه در جهان کنونی در حال رخ دادن است، رسانه‌هایی است که در اختیار قدرت‌های شیطانی و مادی قرار گرفته‌اند و در راستای فساد و تباهی و ضلالت حرکت می‌کنند و حیات معنوی و انسانی انسان معاصر را به خطر انداخته‌اند. امروز بر همه آشکار شده که این رسانه‌های نوپدید، به بزرگ‌ترین و فراگیرترین بستر برای جنگ نرم و تهاجم فرهنگی تبدیل شده‌اند و دشمن به سبب در اختیار داشتن همین رسانه‌ها، برنامه‌ها و مقاصد فرهنگی خود را دنبال می‌کند.

۱-۲-۷. وظیفه کارگزاران در عرصه عمل

مقام معظم رهبری در قسمت پایانی توصیه دوم خود در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین برعهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البته به معنی رفع مسئولیت از اشخاص و نهادهای غیر حکومتی نیست. در دوره پیش‌رو، باید در این باره برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی تنظیم و اجرا شود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

ارتقاء و رشد مکارم اخلاق جامعه با الهام‌گرفتن از برنامه‌های جامع قرآن کریم و روایات در مکتب اسلام بسیار مهم و قابل بحث است. در اسلام، مدیریت به خودی خود یک مظهر مادی و منفصل از حاکمیت نیست. خداوند متعال اولین وظیفه کارگزاران را ارتقای رشد معنوی در قرآن به صورت شاخصه اصلی بیان می‌کند و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِن مَكَّانُهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ (حج: ۴۱)؛ «آنانکه خدا را یاری می‌کنند آن‌هایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم، نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند، چون می‌دانند که عاقبت کارها به دست خداست».

بنا به تفسیر آیه فوق، اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد، سوء استفاده می‌کنند. بنابراین

دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن کریم از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند، ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند، کارشان طغیان است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (علق: ۶) و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» (بقره: ۲۰۵) و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشانند: «أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ» (قصص: ۴۱). بنابراین آنچه که در این مسئله حائز اهمیت است این است از مهم‌ترین وظایف حاکمان مؤمن، ارتقای روحی و رشد امور معنوی جامعه و به دنبال آن رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه است (قرائتی، بیتا، ج ۶، ص ۵۲): «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ...» بر اساس روایات اسلامی، مردم از مسئولان خود الگو می‌پذیرند، بنابراین کسانی که تقوا نداشته و اخلاق مدار نیستند، نباید وارد عرصه سیاست شوند. پس اگر بخواهیم اخلاق دینی در جامعه رواج پیدا کند، لازمه آن، این است که مسئولان و مدیران ما اخلاق‌های دینی را کاملاً رعایت کنند و اگر مسئولان به مسئله اخلاق توجه عمیق داشته باشند و اخلاق را رعایت کنند، اخلاق در جامعه نیز حاکم می‌شود. بنابراین روش زندگی مسئولان در رشد و سلامت معنوی جامعه تأثیر بسزایی دارد.

یکی از وظایف مهم نهادهای متولی امور فرهنگی حکومت، تنظیم برنامه‌های جامع کوتاه مدت و بلند مدت از سوی آنان با توجه ویژه به همه ابعاد و عناصر زمان و فضای جامعه، جهت تربیت یک انسان کامل با اهداف تقویت خردورزی در افراد، گرایش به معنویت، پرورش مهرورزی و مودت نسبت به خداوند و مخلوقات، پرورش شرح صدر و صبر در مقابل سایر انسان‌ها و در نهایت بایستی منجر به خروج تدریجی آدمی از بند هوای نفس و پیروی از فرامین الهی کنند تا اینکه آن هدف خلقت انسان که قرآن از آن به عنوان خلیفه الله یاد می‌کند، در راستای زمینه سازی تمدن نوین اسلامی تحقق پیدا کند.

۱-۳. اقتصاد

یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی، استقلال اقتصادی است که در پی آن، جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد قابل قبولی از رفاه، تولید کند و در اداره امور اقتصادی نیازمند و متکی به دیگران نباشد (هادوی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۸۳). رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به این مسئله چند سالی است نگاه اصیل انقلاب اسلامی در حوزه مسائل اقتصادی - اجتماعی را ذیل عنوان اقتصاد مقاومتی تعریف کرده و در راستای گفت‌وگوهای گفتمان‌سازی آن بسیار کوشیده‌اند. حجم فعالیت رهبر معظم انقلاب اسلامی و جلسات و سخنرانی‌ها و تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی تقریباً در موضوع دیگری سابقه نداشته است که این نشان از اهمیت حیاتی موضوع دارد (فدایی، ۱۳۹۵).

۱-۳-۱. لزوم استقلال اقتصادی

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند ایران اسلامی را به معنای واقعی کلمه قوی کند، اقتصاد است. گواه این ادعا تأکید و توجه مقام معظم رهبری به مباحث اقتصادی در نام‌گذاری سال‌های اخیر از سال ۱۳۷۲، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰ تا کنون است. معظم له از سال ۱۳۹۶ به صورت مستمر شعار سال را با تأکید بر مفاهیم اقتصادی، از قبیل اصلاح الگوی مصرف، همت و کار مضاعف، حماسه اقتصادی، اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی، جهاد اقتصادی و نیز تصریح آشکار بر تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی با عزم ملی و مدیریت جهادی، جهش تولید و تولید، پشتیبانی و مانع‌زدایی تأکید داشته و دارند. از این تأکیدها برمی‌آید که یکی از دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های ریشه‌دار ایشان مسئله اقتصاد است. در واقع محورهای یاد شده به اصل انقلاب اسلامی برمی‌گردد و از شعارهای اساسی این قیام بزرگ شیعی، بحث خودکفایی و استقلال در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است (اصفهان‌ی، ۱۳۹۴).

مقام معظم رهبری علیه‌السلام در اهمیت استقلال اقتصادی می‌فرماید:

«استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیریاب‌تر است.

می‌بینید که به آسانی نمی‌شود رشته‌های نفوذ و سلطه اقتصادی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان، دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیاری چیزهای دیگر دارد. کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. برای یک کشور استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصادی کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیاتی و تغذیه این پیکر به جای دیگر وصل است، پس اختیار در دست دیگری خواهد بود» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱/۱۰).

۱-۳-۲. راهکارهای استقلال اقتصادی

رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در بیانیه گام دوم تصریح نموده‌اند:

«اقتصاد، یک نقطه‌ی کلیدی تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادیات و معنویات بشر، اثر می‌گذارد. اقتصاد البته هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، اما وسیله‌ای است که بدون آن نمی‌توان به هدف‌ها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقل کشور که مبتنی بر تولید انبوه و باکیفیت و توزیع عدالت‌محور و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف و مناسبات مدیریتی خردمندانه است و در سال‌های اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد می‌تواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱/۲۲).

مقام معظم رهبری طی سال‌های اخیر درباره عوامل مؤثر در رشد اقتصادی کشور فرمایشات متعددی نموده‌اند که می‌توان از آن به عنوان نقشه راه نام برد. در اینجا تنها به سیاست‌های

- کلی برنامه‌ی ششم توسعه در امور اقتصادی اشاره می‌شود و این نشان دهنده‌ی اهتمام ایشان به این مسئله است.
- رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به‌گونه‌ای که با بسیج همه‌ی امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.
 - بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.
 - مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهاد‌های عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و فراملی آن‌ها در تحقق اقتصاد مقاومتی.
 - توسعه‌ی پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور به‌ویژه با کشورهای منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، تبدیل‌شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چندجانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
 - گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم مؤثر بازار سرمایه در جهت توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تأکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.
 - تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به‌وسیله‌ی نظام بانکی.
 - ارتقاء کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای رقابتی، بیمه‌ی اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به‌منظور توسعه‌ی سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور.
 - جذب سرمایه‌ی ایرانیان خارج از کشور و سرمایه‌گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوق‌های لازم.
 - اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات.

- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن از منبع تأمین بودجه‌ی عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده‌ی اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه‌ی صندوق توسعه‌ی ملی با تنفیذ اساسنامه‌ی موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه‌ی ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.
- تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.
- حمایت از تأسیس شرکت‌های غیردولتی برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره‌برداری و توسعه‌ی میادین نفت و گاز کشور به ویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴.
- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه‌های پراکنده و کوچک مقیاس.
- تحقق کامل هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره‌وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص‌های عدالت اجتماعی.
- واگذاری طرح‌های جمع‌آوری، مهار، کنترل و بهره‌برداری از گازهای همراه تولید در کلیه‌ی میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم.
- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره‌ی ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه‌ی تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (بر اساس شاخص شدت مصرف انرژی).
- دانش‌بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین‌دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.
- افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه‌های نفت و گاز.
- تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان‌ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست‌های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت

- ملی و حمایت دولت از سرمایه‌گذاری در مناطق کمتر توسعه‌یافته و روستایی.
- اتخاذ برنامه‌ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه‌ی روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش‌آفرینی) با برنامه‌ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقاء شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی و حمایت‌های ویژه از فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زایی مزیت‌دار بومی و مقاوم‌سازی تأسیسات و زیرساخت‌ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست‌های کلی کشاورزی.
- توسعه‌ی اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران.
- برنامه‌ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۴۳/۰
- توسعه‌ی بازارهای دریایی و ایجاد مناطق مهم اقتصادی در زمینه‌های دارای مزیت.
- اولویت بخش ریلی در توسعه‌ی حمل‌ونقل و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.
- توسعه‌ی حمل‌ونقل ریلی باری با اولویت تجهیز شبکه و پایانه‌های باری و اتصال شبکه به مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه‌های ریلی منطقه‌ای و جهانی به ویژه کریدور شمال - جنوب با هدف توسعه‌ی صادرات و ترانزیت بار.
- افزایش نرخ رشد ارزش‌افزوده‌ی بخش‌های صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن با اجرای سیاست‌های کلی صنعت و معدن.
- دانش‌بنیان نمودن شیوه‌ی تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان‌سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.
- اولویت دادن به حوزه‌های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری‌های پیشرفته در آن‌ها.
- اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت

- زنجیره‌ی ارزش افزوده‌ی مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست‌های کلی معدن.
 - تدوین و اجرای سند جامع و نقشه‌ی راه تحول نظام استانداردها و اردسازی کشور و مدیریت کیفیت.
 - استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و اطلاعات کشور.
 - کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه‌ی دولت الکترونیک در بستر شبکه‌ی ملی اطلاعات.
 - توسعه‌ی محتوا در فضای مجازی بر اساس نقشه‌ی مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی سازی شبکه‌های اجتماعی.
 - ایجاد، تکمیل و توسعه‌ی شبکه ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه‌های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که ۵۰ درصد آن داخلی باشد.
 - بهره‌گیری از موقعیت ممتاز کشور با هدف تبدیل ایران به مرکز تبادلات پستی و ترافیکی ارتباطات و اطلاعات منطقه و گسترش حضور در بازارهای بین‌المللی.
 - حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین‌المللی فضای مجازی.
 - افزایش سهم سرمایه‌گذاری زیرساختی در حوزه‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات تا رسیدن به سطح کشورهای برتر منطقه.
 - توسعه‌ی فناوری فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره‌برداری از سامانه‌های فضایی و حفظ و بهره‌برداری حداکثری از نقاط مداری کشور.
- در ۳۸ مورد ذکر شده از سوی معظم له جهت رشد و توسعه اقتصادی، ایشان به منابع انسانی و اقتصادهای نوپدید نگاه ویژه‌ای دارند و در نشست با مسئولین وقت فرمودند: «نیازمند همت، شجاعت و اهتمام جدی و پیگیری در این زمینه هستیم» (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۹/۴).

۱-۴. عدالت و مبارزه با فساد

چهارمین محور مورد تأکید مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم، عدالت و مبارزه با فساد است. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، برقراری عدالت اجتماعی یکی از اهداف

مهم تمدن نوین اسلامی است و دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. به گونه‌ای که قدرت، سیاست، علم، اخلاق و پیشرفت با عدالت اجتماعی در هم تنیده است. ایشان یکی از برکات مهم انقلاب اسلامی را در این بیانیه «سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور» بر می‌شمرند و در عین حال اشاره می‌کنند که در شرایط فعلی، بین وضع موجود و وضع مطلوب عدالت در جمهوری اسلامی فاصله وجود دارد. معظم له از عدالت، هم به عنوان دستاورد ۴۰ سال ابتدایی انقلاب یاد کرده‌اند و هم به عنوان عملکردی که در آینده باید آن را پیش گرفت. از این رو تأکید می‌کنند که در این خصوص نیاز به گفتمان سازی است (ر.ک. خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...﴾ (حدید: ۲۵)؛ «ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند...». تحقق و تأمین عدالت، به ویژه عدالت اجتماعی، به تلاش‌های گسترده، همگانی و مستمر نیازمند است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم می‌فرمایند: «عدالت در صدر هدف‌های اولیه همه بعثت‌های الهی و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است. این کلمه مقدس و در همه زمان‌ها و سرزمین‌هاست و به صورت کامل جز در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیک میسر نخواهد شد، ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن فریضه‌ای بر عهده همه به ویژه حاکمان قدرتمند آن است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). عدالت، آرمانی دینی و الهی است و سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد (حق پناه، ۱۳۸۰). یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران، تحقق عدالت بوده است، بنابراین اجرای عدالت در جامعه بشری هدف اصلی است (فرجی آرپناهی و همکاران، ۱۳۹۹). یکی از پیام‌های جهانی انقلاب اسلامی، تحقق عدالت و عدالت طلبی است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجتماع بزرگ مردم یزد می‌فرمایند:

«امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی،

گرفتاری‌های همان کشورهای است که از لحاظ علمی چشم تاریخ را خیره کردند از پیشرفت‌های خودشان. بشر سعادت‌مندی‌اش به این نیست که دانش و پیشرفت کند. دانش، ابزار سعادت است، سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است. این را غربی ندارد، نه اینکه ندارد، روز به روز هم از او دارد دورتر می‌شود. ما این را برای نشان دادن به دنیا به عنوان آرمان خود ترسیم کرده‌ایم؛ ما نکرده‌ایم خدا کرد. ملت ایران به اقتضای ایمان خود به این راه، دنبال این راه افتاد» (بیانات رهبری، ۱۲/۱۰/۸۶).

می‌توان عدالت اجتماعی را در سه حوزه حقوقی، اقتصادی و قضائی تعریف کرد. جهت تحقق عدالت اجتماعی در جامعه، شایسته سالاری در تمامی سطوح اجرائی، تقنینی و قضائی، ترویج معنویت و جلوگیری از زمینه‌های گناه در جامعه و نیز تأسیس نظام تعاون و تأمین رفاه اجتماعی، گسترش فرهنگ وقف و بهره‌برداری بهینه از آن، ایجاد تحول در نظام وقف، همچنین عملیاتی ساختن نظام مالیاتی اسلام و دریافت قانونمند مالیات‌های ثابت، از راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی است (مخزن موسوی، ۱۳۹۰).

۵-۱. استقلال و آزادی

در قرآن کریم به استقلال همه جانبه جامعه ایمانی و حاکمیت مؤمنان بر سرنوشت خود که مورد تأکید خداوند است، اشاره شده است: «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۴۱)؛ «خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». از این آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطقی، بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد. یکی از خصوصیات انقلاب اسلامی داشتن استقلال در تمام ابعاد است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم می‌فرماید:

«استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است و این هر دو از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسان‌هایند و هیچ کدام تفضّل حکومت‌ها به مردم نیستند. حکومت‌ها موظّف به تأمین این دواند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

انقلاب اسلامی دو موضوع استقلال و آزادی را در این کشور نهادینه کرده است. هدف از انقلاب و برقراری آزادی و استقلال، تحقق جامعه اسلامی است و رمز برقراری جامعه اسلامی، استقلال است تا به برکت این استقلال، راه ساخت یک کشور مستقل، پیشرفته، عادلانه و معنوی طی شود و مردم به سوی تمدن نوین اسلامی سوق داده شوند.

۱-۵-۱. استقلال اقتصادی

خداوند متعال در سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹). با توجه به آیه یاد شده مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت. از طرف دیگر می‌دانیم یکی از لوازم برتری، بی‌نیازی اقتصادی از دولت‌های استکباری و خودکفایی مسلمانان است؛ زیرا بدیهی است که احتیاج به دیگران همیشه ملازم با ذلت و اسارت است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانیه گام دوم تصریح نموده‌اند که استقلال اقتصادی، از استقلال سیاسی مشکل‌تر و دیریاب‌تر است. می‌بینید که به آسانی نمی‌شود رشته‌های نفوذ و سلطه اقتصادی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه را قطع کرد. اگر کشوری بخواهد به سمت استقلال اقتصادی برود، احتیاج به نیروی انسانی کارآمد، منابع درآمدزا، امکانات فراوان فراوان دانش، تخصص، همکاری‌های علمی و فنی بین‌المللی و بسیار چیزهای دیگر دارد. ایشان معتقدند:

«کشور ما از ساعت اول، در جهت استقلال اقتصادی حرکت کرد. درست است

که قبل از انقلاب، تسلط حکومت‌های وابسته، یک اقتصاد کاملاً وابسته‌ی به

غرب و بخصوص آمریکا را در این کشور رشد داده بود و بریدن این رشته‌ها کار بسیار دشواری بود؛ اما این رشته‌ها بریده شد و ما توانستیم در جهت استقلال اقتصادی حرکت کنیم. البته تا رسیدن به یک استقلال اقتصادی کامل، هنوز فاصله داریم و مردم باید کار کنند، جوانان باید درس بخوانند، متخصصان باید تلاش نمایند و کسانی که می‌توانند در این مقصود مهم ملی کمک کنند، هرگونه کمکی باید انجام دهند. برای یک کشور، استقلال اقتصادی یک ضرورت حیاتی است. وقتی رشته‌های اقتصاد یک کشور به بیگانگان وصل باشد، معنایش این است که رگ حیات و تغذیه‌ی این پیکر به جایی دیگر وصل است؛ پس اختیار در دست دیگری خواهد بود» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱/۱۰).

۱-۵-۲. استقلال سیاسی

وابستگی کشور یکی از مسائل مهمی است که در طول تاریخ، مردم ایران از آن رنج می‌بردند و برایشان دردآور بود. از دوران قاجار، پای انگلیسی‌ها کم‌کم به ایران باز شد و مردم از همان زمان از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا زنجیره‌های وابستگی را قطع کنند و به استقلال کامل برسند (اسدی و همکاران، ص ۱۸۹). رهبر انقلاب اسلامی می‌فرماید: «کشورهایی که به استقلال می‌رسند قدم اول استقلال آن‌ها همین است که نظام سیاسی خودشان را مستقل کنند، یعنی حکومت مستقل از نفوذ قدرت‌های بیگانه به وجود آورند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱/۱۰).

۱-۵-۳. استقلال فرهنگی

در اهمیت استقلال فرهنگی، مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌فرماید:

«استقلال فرهنگی از همه استقلال‌ها مهمتر است. جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد قبلی نخواهد رفت. این نکته را من عرض می‌کنم که سلطه‌ی واقعی قدرتها، سلطه فرهنگی است، یعنی اگر ملتی بتوانند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات عادات خود را و در مرحله بالاتر زبان و خط خویش را در ملت دیگر نفوذ بدهد، در

آن ملت مسلط است و سلطه‌ی او یک سلطه‌ی حقیقی است؛ کاری که در دوره‌های از این ۲۰۰ سال گذشته فرانسوی‌ها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره دیگر انگلیسی‌ها کردند، و در این اواخر آمریکایی‌ها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روش‌های زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته به قدرت‌ها نباشد، اما چنانچه قدرت‌های بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند» (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۱۰/۱).

۱-۶. عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی جغرافیایی

توصیه ششم مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به نسل جدید انقلاب اسلامی برای شکوهمندتر شدن آن در گام دوم و مقابله با جنگ نرم دشمن، توجه به سیاست خارجی بر مبنای عزّت ملی و مرزبندی با دشمن است. عزّت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن، این هر سه، شاخه‌هایی از اصل (عزّت، حکمت و مصلحت) در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. مقام معظم رهبری علیه السلام می‌فرمایند:

«این‌ها بخشی از مظاهر عزّت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید. سردمداران نظام سلطه نگرانند؛ پیشنهادهای آن‌ها عموماً شامل فریب و خدعه و دروغ است. امروز ملت ایران علاوه بر آمریکای جنایت‌کار، تعدادی از دولت‌های اروپایی را نیز خدعه‌گر و غیر قابل اعتماد می‌داند. دولت جمهوری اسلامی باید مرزبندی خود را با آن‌ها

با دقت حفظ کند؛ از ارزش‌های انقلاب و ملی خود، یک گام هم عقب‌نشینی نکند؛ از تهدیدهای پوچ آنان نهراسد؛ و در همه حال، عزت کشور و ملت خود را در نظر داشته باشد و حکیمانه و مصلحت‌جویانه و البته از موضع انقلابی، مشکلات قابل حل خود را با آنان حل کند. در مورد آمریکا حل هیچ مشکلی متصور نیست و مذاکره با آن جز زیان مادی و معنوی محصولی نخواهد داشت» (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۵/۸).

رهبر معظم انقلاب اسلامی با هوشیاری نسبت به تبلیغات و جنگ روانی دشمن از یک سو و ترس و واهمه همراه با دگراندیشی برخی جناح‌های سیاسی در داخل کشور از سوی دیگر، در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بر این اصل تأکید داشته‌اند تا هم یادآوری‌ای باشد برای مسئولان فعلی کشور و هم توصیه‌ای پدران برای نسل جدید انقلاب اسلامی.

۱-۷. سبک زندگی

سبک زندگی، توصیه‌ی هفتم رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی است که نقشی ژرف در مواجهه با جنگ نرم دارد. این توصیه تفاوت محسوسی با سایر توصیه‌ها در بیانیه دارد؛ برای آن شرح مفصلی مانند بندهای قبل بیانیه ارائه نشده و تنها به خطر و زیان‌های ناشی از ترویج سبک زندگی غربی و لزوم مقابله‌ی جهادی، همه‌جانبه و هوشمندانه با آن پرداخته شده است. رهبر انقلاب اسلامی، تشریح این توصیه را به دلیل اینکه «سخن لازم در این باره بسیار است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)، به فرصت دیگری موکول کرده‌اند. از این رو، به نظر می‌رسد بحث و تبادل نظر درباره این آسیب‌شناسی، باید اولویت پیدا کند و شروع بحث‌های مفید در این باره بهتر است با بررسی مباحث مربوط به سبک زندگی اسلامی-ایرانی در اندیشه و بیانات رهبر انقلاب اسلامی باشد.

یکی از ضرورت‌های اساسی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی، تحقق سبک زندگی اسلامی است. از مسائل مهم برای رسیدن به این امر، توجه به مبادی و مبانی سبک زندگی

اسلامی است. این امر خود مستلزم توجه جدی صاحب نظران، اندیشمندان مسلمان به موضوع سبک زندگی و راه‌های وقوع آن در فرد و اجتماع است؛ زیرا سبک زندگی اسلامی تنها با تحقق این مبانی واقع شده و دوام پیدا خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به صورت منظومه‌ای و جامع به صیورورت انقلاب اسلامی در ابعاد محتوایی و شکلی، هیچ موضوع و عنصر مهمی را جهت دستیابی به تمدن نوین اسلامی مغفول نگذاشته است. مقام عظمای ولایت با صادر کردن این بیانیه، به شکل جنگ روانی برهم زدند. معظم له در نقطه مقابل القای ناامیدی از سوی دشمن وعدم اهتمام به منابع انسانی به خصوص جوانان، امید به آینده را برای جوانان ترسیم کردند که این خود نوعی تاکتیک در جنگ نرم است. در این برهه از زمان که جنگ فرهنگی و فکری است، باید مبارزه‌ی ما هم به همان صورت شکل بگیرد، ایشان با همان شیوه‌ی کار فرهنگی که بارها از مردم و مسولین مطالبه داشتند، در صحنه حاضر شدند. در مقابل جهت تقویت افکار سالم در جامعه، امید به آینده درخشان‌تر ایران اسلامی در مقابل دشمن عمل کردند. متن بیانیه نقشه راه حرکت جامعه در دهه‌های آینده را ترسیم می‌کند. نهادهای متولی امر فرهنگی موظفند که بسترهایی را جهت آشنایی هرچه بیشتر افشار مختلف با این نقشه راه در سطوح مختلف آماده کنند. سپس بر عهده‌ی ماست که این بیانیه را به عنوان یک متن راهبردی و راه‌گشا، در دستور کار خویش قرار داده و متناسب با هر یک از مطالبات و مقاصد نهفته در آن، برنامه‌ریزی کنیم. باید به فهم و درک عمیق آن همت گماریم و آنگاه از طریق تقسیم کار، ترجمه و تحقق عملیاتی بخش‌ها و پاره‌های مختلف آن را بر عهده گیریم. رهبر انقلاب اسلامی، به صراحت ما را مخاطب خویش خوانده و خواسته‌ها و توقعاتشان را با ما در میان نهاده‌اند. ما باید بی‌درنگ و دغدغه‌مندانه، احساس مسئولیت کنیم و نسبت خود را با مفاد و مضامین این بیانیه مشخص سازیم.

فهرست منابع

قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۸۰ ش.

۱. اسحاقی، سید حسین، مؤلفه‌های مدیریت جهادی، قم، نشر هاجر، ۱۳۹۳ ش.
۲. اصفهانی، عبدالله، «ضرورت استقلال اقتصادی بر اساس آموزه‌های دینی»، مجله پاسدار اسلام، شماره پیاپی ۳۹۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۴ ش.
۳. پورفاضلی، سید امیر، دشمن‌شناسی (شناخت و روش‌های دشمن و راه‌های مقابله با آن) از دیدگاه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیجا، بی‌تا.
۴. جعفرنیا، فاطمه، جایگاه علم در اسلام و تأثیر آن در شکل‌گیری تمدن اسلامی، کنگره ملی تفکر و پژوهش‌های دینی، ۱۳۹۳ ش.
۵. حق پناه، رضا، «عدالت اجتماعی در قرآن»، اندیشه حوزه، شماره ۳۰، ۱۳۸۰ ش.
۶. حکیمی، محمد، جهانی سازی مهدوی و جهانی سازی غربی، قم، دلیل ما، ۱۳۸۷ ش.
۷. فدایی، اسماعیل، «جنگ نرم در حوزه‌ی اقتصاد و راه مقابله با آن»، نشریه فرهنگی سیاسی بازتاب، دانشگاه آزاد واحد شهرکرد، ۱۳۹۵ ش.
۸. فرجی آریناهی، زهرا، ابراهیمی فر، جلال و دیگران، «تحقق رویکرد عدالت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم و روایات»، نشریه علوم اسلامی انسانی، تابستان ۱۳۹۹ ش.
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. مخزن موسوی، سید ابوالحسن، «راهکارهای تحقق عدالت اجتماعی»، مجموعه مقالات نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، پاییز ۱۳۹۰ ش.
۱۲. ویسی، محمود، «اخلاق، معنویت و ارزش»، همایش ملی جستارهای پژوهشی با تأکید بر بیانیه گام دوم انقلاب، گرگان، ۱۳۹۸ ش.